



تاریخچه تاسیس مدرسه عالی دارالفنون و تاثیر آن در نهضت مشروطه

قسمت دوم



عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

در شماره پیشین بخش اول این مقاله آورده شد و در این قسمت ادامه مطلب تقدیم می‌گردد. این هم‌گفتنی است که نزدیک به شصت سال بعد که مخبرالملک نوه رضاقلی خان هدایت در مجلس شورای ملی (دوره اول) از امیرکبیر و مدرسه دارالفنون سخن راند، از قول گذشتگان آورد: "قبل از این که معلمین... وارد شوند، نود عذر آن وزیر بزرگ را خواستند. و شاید می‌خواستند که در آن مدرسه را هم ببندند. ولی چون معلم را خواسته و بنایی برپا شده بود، دیگر خجالت کشیدند آن بنا را منهدم سازند" باری معلمان اثرشی ماندند و مدرسه باز شد. همان طور که نوشته شده شعبه‌ی فنون نظامی

دارالفنون نزدیک به هشت ماه قبل از افتتاح رسمی مدرسه، یعنی شش ماه پیش از عزل امیرکبیر به کار پرداخته بود. در این باره امیر به ناصرالدین شاه می‌نویسد: "امتحانات شش ماهه‌ی مدرسه به خوبی انجام یافت. در نامه دیگر می‌گوید: "استدعای بارون صاحب "بارون گومنز" این است که شاه عملیات نظامی لشکر را ملاحظه نمایند". همچنین می‌نویسد: "هفته‌ای دو روز صاحب‌منصبان مسلمان و فرنگی مدرسه شرفیات خواهند شد". امیرکبیر از پیشرفتی که در این مدت در کار شعبه نظام مدرسه حاصل شده راضی بود که می‌گوید: "علی‌العجاله خوب است، اغلب متعلمین خوب ترقی کرده‌اند که معلمین تصدیق می‌کنند".

امیرکبیر به منظور تکمیل عده استادان و تنظیم برنامه درس‌های دارالفنون از میان اتباع اروپایی که در خدمت دولت بودند و هیات مترجمان دولتی و نیز از ایرانیانی که به اصطلاح در فرنگستان درس خوانده بودند، کسانی را برای تدریس و یا ترجمانی معلمان خارجی برگزید از آن جمله بودند: سرهنگ مطراتسو ایتالیایی که تازگی استخدام کرده بود، دکتر شلیمر هلندی، ریشارخان فرانسوی، آندره نمساوی (اتریشی)، میرزاامکم‌خان اصفهانی، میرزا محسن،

میرزا عبدالرسول، میرزا زکی علی‌آبادی، میرزا آقای تبریزی و محمدحسن خان قاجار. در همین زمینه از ریشارخان پرسش شد که در چه رشته‌هایی می‌تواند تدریس کند پاسخ او در ربیع‌الاول سال ۱۲۶۷ هجری که به وسیله یحیی‌خان ترجمه گردیده قابل توجه است:

"دولت ایران خواسته که نوکری تازه التفات کند، و از من جویا شدند کدام است علم و صنایع تو؟ متعهد شدم به درس دادن و ترجمه کردن زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، ایتالیا و لاتین، و درس دادن جغرافیا، نجوم فیزیکی، حساب واحد، کیمیای فرنگی و ساختن نقشه‌ی صنایعی که علم بعضی را دارم و عمل بعضی را. علم و عمل عکس، علم پنبه سفید کردن و شکر سفید کردن، رنگ کردن چوب، روغن زدن چرم و صاف کردن شیشه. در خدمت دولت ایران هستم به جهت هر کدام از این کارها که فرمایش شود. و قبول می‌کنم سیصد تومان موجب که در فرمان نوشته شده بی‌رسوم. به تاریخ سنه ایت‌ئیل. و هر وقتی که خدمت رجوع کنند که یک نفر میرزایی لازم بشود، التفات کنند. ربیع‌الاول سال ۱۲۶۷".

امیرکبیر مقدمه افتتاح دارالفنون را فراهم ساخت. در همان چند روزه پایان روزگارش به شاه



می‌نویسد: "از حضور همایون به اطاق نظام آمد، حاجی میرزاخان جبار را خواست، قرار بیرق مدرسه را گذارد که ان‌شاءالله روز یکشنبه‌ی آینده در سردر مدرسه بلند شود. به معیرالممالک هم گفت که فردا ساعت را تعمیر نمایند" از فکر تعیین مدیر مدرسه نیز غافل نبود. به شاه می‌گوید: "در امر مدرسه دقت زیاد لازم است. آدم خیلی معقول متشخص می‌خواهد که سررشته از همه چیز فرنگی و ایرانی داشته باشد" از همین عبارت بر می‌آید که به فرهنگ و دانش ایرانی و غربی هر دو اهمیت می‌داده است. گویا برای ریاست مدرسه، میرزا محمدعلی خان وزیر امور خارجه را که با وضع اروپا ناآشنا نبود در نظر گرفته بود. هموست که به این سمت برگزیده شد. میرزا محمدعلی خان در ۲۴ محرم سال ۱۲۶۸ هجری (روز پیش از عزل امیرکبیر از صدارت) نامه‌ای به محمودخان کلانتر دارالخلافه و عزیزخان آجودان‌باشی نظام نوشت که تاسیس "دارالفنون" را برای تعلیم "علوم غریبه از بابت حکمت و هندسه و معدن‌شناسی و آداب جنگ... به همه مردم اخبار، و ترغیب و تحریض" نمایند. نامه او که به هر دو در یک مضمون نگاشته چنین است:

"دوستان مشفقاً، مهرباناً، بر حسب حکم اعلیحضرت قدرقدرت شهریار، روح‌العالمین فداه مقرر است که سی نفر مابین چهارده و شانزده سال، از اولاد خوانین و اعیان و اشراف در دارالفنون دارالخلافه مشغول تحصیل علوم غریبه از بابت حکمت و هندسه و معدن‌شناسی و آداب جنگ و غیره باشند. البته آن دوست مهربان به همه مردم اخبار و ترغیب و تحریض نموده، هر کس را که میل داشته باشد نزد اینجناب بیاورد که به اتفاق خود به حضور اقدس همایون برده، در شغل مزبور و تحصیل علوم برقرار نماید. حرر فی ۲۴ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۸".

تذکر این مطلب نیز لازم است که نخست در نظر بود که سی نفر شاگرد بین چهارده و شانزده ساله بپذیرند، اما این عده در همان اولین سال افتتاح مدرسه به ۱۵۰ نفر رسید.

با کمال تأسف باید گفت که مدرسه عالی دارالفنون روز یکشنبه پنجم ربیع‌الاول سال ۱۲۶۸ هجری یعنی سیزده روز قبل از کشته شدن میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدر اعظم با غیرت آزاده‌ی وطن‌پرست ملت‌دوست در باغ فین کاشان رسماً گشایش یافت. و گویی چنین مقدر شده بود که هنگام افتتاح مدرسه دارالفنون که یکی از هدف‌های عالی

و بلندپروازانه این خدمتگزار واقعی و روشن‌اندیش ایران بود، خود او در باغ فین کاشان آخرین روزهای تبعید را بگذراند و هر چند نتیجه‌ی فعالیت‌های فرهنگی خود را به چشم نبیند، ولی خبر گشایش و آغاز به کار نخستین آموزشگاه علوم جدید را که پایه‌گذار نشر فرهنگ و تمدن جدید در ایران است، در واپسین روزهای زندگی پر افتخار خود بشنود.

هزار نقش نماید زمانه و نبود یکی چنان که در آیین‌ی تصور ماست ریاست مدرسه‌ی دارالفنون همان طور که نوشته شد، در آغاز به میرزا محمدعلی خان وزیر امور خارجه سپرده شد. او یک ماه و نیم بعد مرد (۱۸ ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۸ هجری) و عزیزخان آجودان‌باشی به آن مقام انتخاب گردید، و رضاقلی‌خان هدایت ناظم امور مدرسه بود. دارالفنون در اوان تاسیس شامل هفت شعبه بود: مهندسی، پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه، طب و جراحی، معدن‌شناسی، علوم طبیعی مشتمل بر فیزیک و کیمیا، فرنگی و دواسازی. در رشته‌های هفتگانه علاوه بر درس‌های تخصصی، علوم دیگری متناسب با هر رشته از قبیل: تاریخ، جغرافیا، نقشه‌کشی، طب ایرانی، ریاضی، زبان فارسی، عربی، فرانسوی و روسی تعلیم می‌گردید. صورت معلمان دوره اول دارالفنون با ذکر رشته تعلیم و نام مترجمان آنها به شرح زیر بوده است:

بارون گومنز اتریشی: معلم پیاده‌نظام و مشاور امیرکبیر در اصلاح نظام، به مدت دو ساله به ایران آمده بود، ولی چند ماهی پیش از پایان آن در اوایل سال ۱۲۶۹ از خدمت استعفا داد و رفت. مطراتسو ایتالیایی: مربی سپاه و معلم پیاده‌نظام



و فن آرایش لشکر (تاکتیک)، سی نفر شاگرد داشت، مترجم او حاجی شیخ محسن (مشیرالدوله بعدی) بود. مولف دو کتاب در فن نظام است.

کرزیتر اتریشی: معلم توپخانه، ریاضیات و تاریخ نظامی، مترجمش میرزا زکی مازندرانی علی‌آبادی از تحصیل کرده‌های فرانسه بود. او و میرزا ملکم‌خان نخستین کسانی هستند که در تهران سیم تلگراف کشیدند. (۱۲۷۴ هجری).

نیمرو اتریشی: معلم سواره‌نظام و مربی سپاه، مترجم او "آندره نسواوی" بود که سال‌ها در ایران می‌زیست و پیش از این خیاطی می‌کرد.

زاتی اتریشی: مهندس نظام و معلم ریاضیات بود، ترجمانی او را میرزا ملکم به عهده داشت به شرحی که خواهد آمد خودش نیز سمت معلمی داشت. زاتی مردی عصبی مزاج بود، به همین علت خلاقی از او سر زد که خواستند به خدمت او خاتمه دهند ولی بعد رفع سوءتفاهم شد. و در روز ۶ ربیع‌الثانی سال ۱۲۷۰ هجری مرد. وی را در کلیسای آرامنه در محله‌ی دروازه به خاک سپردند.

بوهلر فرانسوی: فارغ‌التحصیل مدرسه عالی "پلی تکنیک" پاریس و از خدمتگزاران دانشمند و صدیق ایران بود. وی در سال ۱۲۶۹ هجری به ایران آمد، بعد از مرگ زاتی تدریس ریاضیات و نقشه‌کشی به عهده‌ی او واگذار گردید. مترجم او محمدحسن خان قاجار بود. در اصول ریاضی و فن اردو کوشی چند کتاب نوشت که به وسیله عبدالرسول خان و جعفر قلی‌خان ترجمه و چاپ گردید. بوهلر در جنگ هرات خدمت شایسته‌ای کرد و به همین سبب مورد انزجار دولت انگلیس بود، و تلاش کردند او را از ایران برانند. کارنتای اتریشی: معلم معدن‌شناسی، مترجم او نخست میرزا رضای کاشی و سپس میرزا آقای تبریزی بود (میرزا آقا همان کسی است که قرار بود نمایشنامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده را به فارسی برگرداند و خودش هم سه نمایشنامه نوشت).

کارنتا راجع به معادن البرز مطالعاتی نمود و از سفری که به مازندران کرد مقداری سنگ معدن همراه آورد که مورد آزمایش قرار دهد تا اگر به صرفه باشد، به استخراج آن پردازند. وی در سال ۱۲۷۰ هجری زندگی را بدرود گفت.

فکتی ایتالیایی: معلم فیزیک، شیمی و دواسازی، و مترجمش میرزا رضای کاشی بود. از شاگردانش "میرزا کاظم شیمی" است که بعدها در دارالفنون تدریس می‌کرد و چند کتاب نوشت. فکتی در کار جراحی با دکتر پلاک در مریض‌خانه دولتی

همکاری می کرد و بیماران را با "اتر" بیهوش می ساخت.

دکتر پلاک اتریشی: معلم طب، جراحی و کحالی، مترجم او محمدحسن قاجار بود و بیست شاگرد داشت. پس از فوت دکتر کلوقه حکیم‌باشی شاه، جانشین او گردید. چند کتاب خوب نوشته که در مطبعه دارالفنون چاپ گردیده است، از جمله کتاب تشریح در سال ۱۲۷۰ هجری منتشر شد. دکتر پلاک پس از ده سال اقامت در ایران در سال ۱۲۷۷ هجری به اتریش بازگشت و کتاب "ایران: مملکت و اهالی آن" را نوشت که مورد استناد محققان مربوط به این دوره واقع شده است. رساله‌های دیگری نیز دارد. در رواج طب جدید در ایران خدمت ارجمند نموده است.

دکتر شلیمر هلندی: میرزا تقی‌خان امیرکبیر که به بعضی ولایات پزشکی فرستاد شلیمر را مامور گیلان کرده بود. بعد معلم دارالفنون شد و از دانشمندان بود. کتاب‌های جلاء‌العیون در کحالی، زینه‌الابدان در بیماری جلدی، سرالحکمه در تشریح، و شفایه در فن پزشکی از آثار اوست. به علاوه فرهنگ فرانسه به فارسی خوبی نوشت.

ریشارخان فرانسوی: معلم زبان فرانسوی بود. از نامه او که بیشتر در همین بخش آورده شد بر می‌آید که از هر فنی چیزی می‌دانسته. صنعت عکاسی را در زمان محمدشاه به ایران آورد. از مترجمان دولت بود، به دین اسلام درآمد و به نام محمدرضا خان شهرت یافت. چند کتاب در گرامر زبان فرانسوی نوشته و یادداشت‌هایی نیز دارد و کتاب‌های سودمند دیگری هم ترجمه کرده است.

کارژیلو ایتالیایی: معمل نقاشی بود.

از معلمان ایرانی این دوره نام این کسان آمده است:

میرزا ملکم‌خان: در فرانسه علوم طبیعی آموخته بود، در دولت امیرکبیر به سمت ترجمانی منصوب گردید. در دارالفنون دو درس می‌داد: "یکی حساب و هندسه عام است که جمیع شاگردان می‌خوانند و یکی درس خاص که مطلب هندسه‌ی عالی" و "لوگاریتم" است. عده شاگردانش در درس خاص دوازده نفر بودند، علم جغرافیا نیز تدریس می‌نمود. میرزا سیدعلی: معلم طب ایرانی "به اصطلاح طب قدیم" بود نزد دکتر کلوقه و دکتر پلاک نیز طب فرنگی آموخته بود.

میرزا احمد طبیب کاشانی: او نیز معلم طب قدیم بود.

شیخ محمد صالح اصفهانی: معلم زبان فارسی و عربی بود، سمت پیشنمازی مدرسه را نیز داشت. با توجه به میزان توجه و علاقه امیرکبیر به مدرسه عالی دارالفنون، متأسفانه در دولت بعد، یعنی میرزاآقا خان نوری که از اصل مخالف تاسیس این مدرسه بود، انتظار تفاوت زیادی نمی‌شد دانست. اگر علاقه نسبی ناصرالدین شاه و علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه وزیر علوم نبود در هم فرو می‌ریخت. راجع به وضع دارالفنون، ریشارخان در نامه‌ای که در ۲۸ ژانویه ۱۸۵۳ میلادی (۱۷ رجب سال ۱۲۶۹ هجری) به یکی از دوستانش نوشته، می‌گوید: "... پسر مادام ژاکب، بی آن که تحقیق کنند چیزی می‌داند یا نه به تازگی معلم ریاضیات شده، و یک ارمنی دیگری که دو سالی بیشتر نزد کشش‌ها در اسلامبول درس نخوانده است، معلم جغرافیا و زبان

با کمال تأسف باید گفت که
مدرسه عالی دارالفنون روز
یکشنبه پنجم ربیع الاول سال
۱۲۶۸ هجری یعنی سیزده روز
قبل از کشته شدن میرزا
تقی خان امیرکبیر صدر اعظم
با غیرت آزاده‌ی وطن پرست
ملت دوست در باغ فین کاشان
رسماً گشایش یافت

کلوقه به اشتباه محلول سمی نوشید و بر اثر آن در سال ۱۲۶۸ هجری مرد.

مقررات داخلی و انتظامات دارالفنون

مقررات داخلی و انتظامات مدرسه عالی دارالفنون به شرح زیر بوده است: "شاگردان هر یک از شعبه‌های هفت‌گانه، لباس مخصوصی داشتند. سالی دو دست لباس تابستانی و زمستانی به رایگان داده می‌شد. شاگردان ناهار را به خرج مدرسه در آن جا می‌خوردند. مقرری هم داشتند و به شاگردان خوب، انعامی نیز می‌دادند. از سال ۱۲۷۶ هجری مقرری شاگردان بریده شد. امتحان مدرسه سالی سه بار بود، پس از آن شاه و وزیران و شناختگان دولت به مدرسه می‌آمدند و به شاگردان جایزه می‌دادند. دوره تحصیل را در سال‌های اول دارالفنون نمی‌دانیم، اما دوره‌های بعد شش هفت سال بود. از تعلقات دارالفنون تالار متروک افتاد، فقط گاه نمایش‌های خصوصی برای شاه و رجال دولت به وسیله "لومر" فرانسوی معلم موزیک و مزین الدوله در آن می‌دادند. به جای تالار تئاتر، نمازخانه‌ای بر پا شد که شاگردان نماز ظهر را در آن جا می‌گزارند. مدرسه کتابخانه‌ای هم داشت. طبیب مخصوصی نیز برای درمان شاگردان گمارده بودند. چاپخانه دارالفنون به نام "مطبعه دولتی" خوانده شد و آثار استادان دارالفنون و پاره‌ای کتاب‌های دیگر در آن جا به طبع می‌رسید. روی ساختمان مطبعه، عکاسخانه‌ی عبدالله خان قاجار عکاس رسمی دولت واقع بود.

بودجه دارالفنون در سال تاسیس ۷۷۵۰ تومان بود. (در آن زمان یک لیره انگلیس دو تومان ارزش داشت) و در سال ۱۳۰۷ هجری بودجه آن را سی هزار تومان نوشته‌اند (در این موقع یک لیره سه تومان ارزش داشت). عده شاگردان دارالفنون در سال تاسیس ۱۱۴ نفر بودند، از این قرار: مهندسی ۱۲ نفر، توپخانه ۲۶ نفر، پیاده‌نظام ۳۹ نفر، سواره‌نظام ۵ نفر، طب و جراحی ۲۰ نفر، فیزیک، شیمی و دواسازی ۷ نفر، معدن‌شناسی ۵ نفر. در سال ۱۳۰۷ هجری که کرزن به ایران آمده عده شاگردان را ۳۸۷ نفر ثبت کرده است، بدین شرح: رشته‌های سه‌گانه نظام ۷۵

فرانسه گردیده، اگر امیر زنده بود هرگز به این اوضاع اسفناک راضی نشده، این ترتیبات غلط را هیچ نمی‌گذاشت واقع گردد.

در جهت عکس آن باید گفت که حق این بود که دکتر کلوقه پزشک دانای فرانسوی و طبیب مخصوص شاه نیز به تدریس در دارالفنون معین می‌گردید. اما این قرار را ندادند، و او پنج شاگرد خصوصی داشت که به آنان در خانه خودش طب جدید و جراحی درس می‌داد. امیرکبیر نسبت به او مهربان بود، و به موجب فرمان جمادی‌الاول سال ۱۲۶۷ هجری سه هزار تومان حقوق برای وی معین کرد.

نفر، شعبه‌های مختلف علم و فن ۱۴۰ نفر، زبان فرانسوی ۴۵ نفر، زبان انگلیسی ۳۷ نفر، زبان روسی ۱۰ نفر، نقشه کشی ۸۰ نفر.

تأثیر فکری و اجتماعی مدرسه عالی دارالفنون در نهضت مشروطه

همان طور که می‌دانیم مدرسه عالی دارالفنون که به همت و پشتکار قابل تقدیس میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدر اعظم بسیار نامی مقتدر و وطن پرست زمان ناصرالدین شاه قاجار تأسیس یافت، از نظر تأثیر فکری و اجتماعی در جامعه عقب مانده ایران در قرن سیزدهم هجری گام بسیار بلندی بود که تحلیل علمی و منطقی آن مستلزم تحقیق و تالیف جداگانه‌ای است. ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که این موسسه پیشستاز و پیشرو فرهنگی در ایران به عنوان یک بنیاد فرهنگی نو در سه جهت اصلی در هیات جامعه ایران تأثیر بخشید. یکی از نظر تحول عقلانی: گر چه تعلیمات دارالفنون مقدماتی بود، چون در محیط نیمه خلاء فکری زمان انعکاس یافت، ارزش آن از لحاظ کیفیت به مراتب مهمتر از کمیت آن است. با نشر اصول علمی جدید نقص تعلیم پیشستازان تا اندازه‌های آشکار گردید، و دانسته شد که قسمت زیادی از آموخته‌های گذشته پایه‌اش بر آب است و قسمت دیگری آن ناقص و نارسا. دوم این که از نخستین سال گشایش دارالفنون، معلمان به نگارش کتاب‌های تازه‌ای پرداختند که به دستگیری مترجمان و شاگردان به طبع رسید و بر اثر آن دانش غربی میان طبقه وسیع تری از اجتماع شناخته شد. از این نظر دارالفنون دریچه‌ای به سوی جهان معرفت نو باز کرد. سوم این که با گذشت زمان فارغ‌التحصیلان آن مدرسه صنف تازه‌ای به وجود آمد که بیشتر از فرزندان دیوانیان و لشکریان و درباریان و برخی شاهزادگان بودند. این طبقه به روشنفکری گراییدند و از میان آنان عناصر نوجو و ترقی خواهی برخاستند که در تحول فکری دو نسل بعد اثر گذاشتند، و آخرین سخن این که این موسسه علیم با وجود در میان نبودن موسسه هوشیار و آگاه و توانای آن با وجود کارشکنی‌های جاهلان و دشمنان ترقی ایران، بیش از آنچه انتظار می‌رفت در پیشرفت کار تعلیم و تربیت و اخذ علوم و فنون جدید اروپایی در ایران موثر افتاد، توده وسیع مردم را با طرز زندگی اروپایی که تا آن زمان ایرانیان بویی از آن نبرده بودند آشنا ساخت و به گروه‌انبوه جوانان فرصت

داد که در راه اصلاحات قدم بردارند و طولی نکشید که قشر روشنفکر از پزشکان و عالمان ریاضی و طبیعی در تهران پیدا شدند و با ترجمه و تالیف کتاب‌ها بر طبق روش علمی جدید و به بار آوردن شاگردان زیاد به آغاز شدن نهضتی در فرهنگ ایران کمک کردند. به طوری که می‌توان گفت تجدد خواهی و مبارزه با خرافات و عوام‌فریبی و موهومات و نشر افکار آزادی خواهانه در عصر ناصری تا حدی از برکت تربیت و تعلیم همین طبقه از تحصیل کردگان دارالفنون بود و هم این موسسه‌ی سودمند که عمال انقلاب مشروطیت و آن دسته از ماموران دولتی را که رشته‌ی کارهای آینده ایران را به دست گرفتند تربیت کرد.

مشهورترین معلم دارالفنون که در نهضت مشروطه بسیار موثر بود میرزا ملکم‌خان و ناظم‌الدوله است که مترجم درس‌های استادان اروپایی به زبان فرانسه بود که به مرور فارغ‌التحصیلان دارالفنون را در راه بسط دانش و آزادی فکری که منجر به نهضت مشروطه شد رهنمون گردید و آنان را در جامعه آدمیت که پایه‌گذار اولیه این نهضت بود گرد آورد.

در این گردهمایی بعضی از مردان سیاسی ایران مانند میرزا علی‌خان امین‌الدوله و میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله برادر سپهسالار و میرزا محسن‌خان مشیرالدوله و از روحانیون بزرگ حاجی میرزا هادی نجم‌آبادی و جمعی از دیوانیان و شاهزادگان و فارغ‌التحصیلان دارالفنون و شاگردان اروپا دیده عضویت داشتند. شعار اصلی محفل مزبور عبارت بود از: "اصلاح بشریت به طور عموم و ملت ایران بخصوص" ملکم‌خان به وسیله رساله‌هایی که در انتقاد از اوضاع ایران می‌نوشت و به وسیله شاگردان روشنفکر دارالفنون پخش می‌گردید مردم را به تدریج با روح آزادی خواهی آشنا کرد و سرانجام به این نتیجه رساند که باید به هر کوششی هست رژیم مشروطه را در ایران مستقر سازند. میرزا ملکم‌خان پس از مبارزات بسیار با نوشتن رساله "مبدأ ترقی" و "شیخ و وزیر" "فرقه کج بنیان" و "کتابچه غیبی" تصویب مجلس دارالشورای ملی را به صورت "مجلس تنظیمات حسنه" از تصویب ناصرالدین شاه گذراند که همان مقدمه تشکیل مجلس شورای ملی در زمان مظفرالدین شاه گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی